

Ayatollah Sistani, Islamic Realism and Peace and Security in Iraq

Niloofer Tehranizadeh*

Received: 2021/02/17

Hamid Ahmadi**

Accepted: 2021/06/30


Mahdi Zakerian Amiri***

After the fall of Saddam, the seminary of Najaf Ashraf, was able to start a new life. In the meantime, the role of Ayatollah Sistani, in this period has been very prominent. The most important components of his personality based on the principle of Islam are: paying attention to the facts and striving to ensure the peace, security and interests of Iraq. Now, considering his prominent religious figure in the Islamic world and the Shiite authority of Ayatollah Sistani, the question in this study is how to analysis his strategic successes by avoiding politics in the equations of power inside Iraq? To answer this question, scholars have used the theory of Islamic realism and have come to the conclusion that: Ayatollah Sistani had achieved an effective and purposeful combination of Islamic principles and international norms that allowed him to establish and strengthen peace in Iraq, through limited and definite cooperation with foreign forces.

Keywords: Iraq, Islamic realism, Najaf school, National Security, National Unification, Peace, Seyyed Ali Hoseini Sistani.


* Ph.D Student in International Relations, Tehran Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R.Iran.

n_tehranizadeh@yahoo.com

 0000-0003-4385-2804


** Professor of Political Science, Department of Political Science, University of Tehran, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

hahmadi@ut.ac.ir

 0000-0001-6867-7139

*** Associate Professor, Department of International Relations, Tehran Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, I.R.Iran.

mzakeriyan@yahoo.com

 0000-0002-4719-6691

آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی؛ واقع‌گرایی اسلامی، صلح و امنیت در عراق^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

مقاله برای بازنگری به مدت ۷۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

نیلوفر طهرانی‌زاده*

حمید احمدی**

مهدی ذاکریان امیری***

چکیده

نقش مرجعیت در جوشش و اعتلای حوزه نجف اشرف و همچنین تحولات عراق بسیار پُررنگ بوده است. در این میان به‌ویژه آیت‌الله سیستانی به‌خاطر داشتن شخصیتی کاریزماتیک، عملگرا بودن، واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی، موقعیتی راهبردی داشته‌اند که در دوره اخیر کاملاً برجسته است. سؤال اصلی این پژوهش ناظر بر نقش ایشان در برقراری صلح، وفاق و امنیت ملی در داخل عراق و همچنین در سیاست خارجی صلح‌آمیز این کشور با دیگر کشورها است. برای این منظور محققان از نظریه و الگوی تحلیلی برآمده از واقع‌گرایی اسلامی بهره برده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیت‌الله سیستانی به ترکیبی مؤثر و هدفمند از اصول اسلامی و هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه جهانی برای تحقق آرمان سیاسی دست یافته‌اند که امکان تأسیس و تقویت اصل صلح را در گستره داخلی عراق و مناسبات خارجی این کشور فراهم ساخته است.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، سیدعلی حسینی سیستانی، صلح، عراق، مرجعیت، مکتب نجف، واقع‌گرایی اسلامی، وفاق ملی.

پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

n_tehranyzadeh@yahoo.com

0000-0003-4385-2804

** استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

hahmadi@ut.ac.ir

0000-0001-6867-7139

*** دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mzakeriyan@yahoo.com

0000-0002-4719-6691

مقدمه

بیان مسئله: حزب بعث عراق همیشه نسبت به فعالیت‌های سیاسی حوزه بسیار حساس و مخالف بوده است. به همین دلیل است که مشاهده می‌شود فعالیت‌های مراجع صرفاً به عرصه‌های داخلی و امور حوزوی محدود می‌باشد. از این منظر آیت‌الله سیستانی از مقطع اشغال عراق توسط آمریکا در مارس ۲۰۰۳ عملاً وارد عرصه سیاسی شد و در ابتدا به بیان نصیحت‌هایی برای مسئولان و شهروندان عراقی پرداخت. مبنای سیاست ایشان در این مقطع تأکید بر تأسیس دولت مدنی در عراق است؛ آن هم با این توضیح که: از نظر ایشان راه‌حل سیاسی و اجتماعی که مردم بتوانند با امنیت و صلح در کنار هم زندگی کنند و هر دینی با آزادی کامل مناسک و حقوق خود را اعمال کند، تأسیس دولت مدنی است. مسئله مقاله حاضر، شناسایی و تحلیل رویکرد این مرجع بزرگ برای سوق دادن سیاست‌گذاری به سمت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام، احزاب و گروه‌های دینی مختلف در جامعه عراق است.

اهمیت: پژوهش حاضر از آن حیث که مبانی و اصول رفتاری یکی از مراجع بزرگ شیعه را در ارتباط با موضوع حکمرانی در کشور عراق بیان می‌کند، دارای اهمیت نظری و کاربردی است. اهمیت نظری ناظر به تفسیری است که ایشان از سیاست و حکومت ارائه نموده‌اند و اهمیت کاربردی به الگوی رفتاری ایشان در مدیریت تحولات عراق و سایر موضوعات جهان اسلام، برمی‌گردد که می‌تواند از سوی دیگر جوامع مورد استفاده قرار گیرد.

ضرورت: عدم توجه به الگوی نظری و عملی شخصیت‌های برجسته‌ای چون آیت‌الله سیستانی، می‌تواند مجال را برای ظهور و ترویج گرایش‌های افراطی در عرصه سیاست داخلی و خارجی هموار سازد. بر این اساس پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی است و می‌تواند بدیل اسلامی خوبی در برابر جریان‌های فکری افراطی باشد.

اهداف: تقویت گفتمان سیاست اسلامی و برجسته‌سازی ظرفیت‌های تفکر راهبردی تشیع برای مدیریت مؤثر تحولات منطقه و کمک به پایداری صلح، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. افزون بر این شناخت نظام فکری آیت‌الله سیستانی و تقویت حوزه کارشناسی در کشورمان برای تحلیل واقع‌بینانه تحولات جامعه عراق، به‌عنوان دو هدف فرعی مدنظر نویسندگان است.

سؤال‌ها: پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: آیت‌الله سیستانی به‌عنوان مرجع تقلید شیعیان چه نقشی در تحولات داخلی و سیاست خارجی عراق داشته است؟ در همین ارتباط سؤال‌های فرعی زیر طرح شده‌اند: اصول واقع‌گرایی کلاسیک کدامند؟ اصول حاکم بر واقع‌گرایی اسلامی کدامند؟

فرضیه: آیت‌الله سیستانی با تکیه بر فقهات دینی در بحث همزیستی مسالمت‌آمیز، در ایجاد ثبات، امنیت و وفاق ملی در داخل عراق نقش مؤثری ایفا کرده است. ایشان با تکیه بر اصل اصالت صلح، اولویت تعامل و در نظر گرفتن هنجارهای بین‌المللی، موجب تقویت روابط صلح‌آمیز این کشور با دیگر کشورها شده است.

روش پژوهش: پژوهش از حیث نوع، نظری - کاربردی بوده و رویکرد محققان، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل یافته‌ها، از الگوی تحلیل پیشنهادی نویسندگان که بر مبنای نظریه واقع‌گرایی اسلامی قرار دارد، استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های موجود در ارتباط با تحولات عراق و نقش آیت‌الله سیستانی را می‌توان در دو دسته اصلی قرارداد:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

در ارتباط با دیدگاه و رفتار سیاسی آیت‌الله سیستانی یک مقاله بیشتر در نشریه دانش سیاسی منتشر نشده است. نادری (۱۳۹۶) در پژوهش خود ضمن اشاره به ضعف مطالعات نظری و راهبردی در حوزه الگوهای جنگ و صلح بر مبنای دیدگاه شیعه، سعی کرده است تا بر اساس دیدگاه‌های آیت‌الله سیستانی، چنین‌الگویی را طراحی و پیشنهاد کند. گذشته از این مقاله، می‌توان به محدود مقاله‌هایی در این نشریه اشاره داشت که به تحولات اخیر عراق اختصاص دارد و به‌صورت غیرمستقیم به جایگاه مرجعیت نیز اشاره شده است. برای مثال شمسی‌الدینی؛ مرتضوی و نوابخش (۱۴۰۰) ساخت رسمی اداره عراق را به‌بحث گذارده و از نقش مرجعیت در حفظ یکپارچگی عراق به تناسب سخن گفته است.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

با توجه به متغیرهای مورد بحث در مقاله، می‌توان پژوهش‌های موجود را به چهار گروه زیر تقسیم نمود:

الف. منابع مربوط به نگاه اسلام به روابط بین‌الملل: سلیمی (۱۳۹۲) مبانی حقوقی برابری جوامع، جهاد و دفاع از حقوق برابر ملت‌ها در پرتو تعالیم اسلامی را مورد بحث قرار داده است؛ حال آنکه بیگدلی (۱۳۹۵) به موضوع مهم نحوه رفع مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها از دیدگاه اسلام توجه کرده است. الدیک (۱۳۹۸) همین ایده را مبنا قرار داده و به صورت کلی از ظرفیت‌های دانش فقه در نظام‌سازی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مشکلات بحث کرده است.

ب. منابع مربوط به واقع‌گرایی اسلامی در حکمرانی: سلیمی (۱۳۹۱) بیشتر در پی تبیین چستی واقع‌گرایی اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل و تحلیل عملیاتی مؤلفه‌های آن با اشاره به رخدادهای عینی بوده است. حال آنکه فیروزآبادی؛ جلالی و رئیسی (۱۳۹۴) از منظری فلسفی و روشی به این موضوع نگریسته و امکان پردازش یک نظریه اسلامی طبق آموزه‌های اسلام در حوزه روابط بین را به بحث گذارده است.

پ. منابع مربوط به نقش مرجعیت شیعی در عراق: این موضوع که تقریباً مورد توجه بیشتری بوده و با تأکید بر نقش مراجع و علما در مبارزه با استعمار انگلیس در عراق تبیین شده است. در همین ارتباط مقاله علوی و حسینی شیرازی (۱۳۸۴) موجود است که رویکردی نظری دارد و اندیشه سیاسی مراجع و علمای شیعه را در عراق به بحث گذارده است.

ت. منابع مربوط به جایگاه آیت‌الله سیستانی در عراق: این منابع از حیث موضوعی نزدیک به مقاله حاضر هستند و به‌طور مشخص به اندیشه و عمل آیت‌الله سیستانی توجه دارند. برای مثال منصور^۲ (۲۰۱۷) به نقش علما و مراجع در عقب‌نشینی داعش پس از صدام را بررسی کرده و به نقش مشترک و تفکیک‌ناپذیر دولت و مرجعیت آیت‌الله سیستانی در فضای سیاست عراق پرداخته است. در همین ارتباط عموم محققان معتقدند که نقش ایشان بی‌بدیل و محوری برای نجات عراق بوده است. فاتح (۱۳۹۴) به عوامل اقتدار و منزلت نهاد مرجعیت در نجف اشرف به زعامت آیت‌الله سیستانی

پرداخته و آن را به تفصیل بیان نموده و مطهرنیا (۱۳۹۵) از ایشان به‌عنوان مرجعیت سیاسی نیروهای مدنی یاد کرده است.

اگرچه تأثیرگذاری آیت‌الله سیستانی در گذار از بحران‌های عراق از مسائل مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و تحلیلگران سیاسی بوده، اما در باره نگرش سیاسی و میزان تأثیر اندیشه‌های ایشان با توجه به فقه شیعی و میزان عملیاتی شدن تفکرات ایشان در موضوع مهم صلح و ثبات داخلی در عراق و رابطه این کشور با جهان خارج؛ پژوهش‌چندانی انجام نشده است. این پژوهش در صدد پُر کردن این خلأ علمی است. همچنین استفاده از نظریه واقع‌گرایی اسلامی در تجزیه و تحلیل اندیشه آیت‌الله سیستانی از جنبه‌های دیگر نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود.

۲. مبانی مفهومی

با توجه به ضرورت ایجاد یک افق تحلیلی مشترک، در این قسمت ارکان مفهومی پژوهش ارائه می‌شود.

الف. مرجعیت: این کلمه به معنای کلی آن یعنی رسیدن به موقعیت صاحب‌نظری مشروع و مجاز در امر دین که بر خروج فرد از مقام تقلید دلالت دارد. اقتضای رسیدن به این مرتبه اجتهاد است که از آن به‌عنوان روشی مشخص در استنباط احکام شرعی مستند به منابع اصلی در موضوعات مختلف یاد شده است (قاسمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۳).

ب. فقه / فقاہت: معنای لغوی فقه، دانستن و فهمیدن است. از حیث تخصصی عموم نویسندگان از فقه به‌مثابه علم به احکام فرعی از طریق استناد و ارجاع به منابع و دلایل تفصیلی، یاد نموده‌اند (نوری، ۱۳۷۹، صص. ۴-۲).

پ. صلح: برای مفهوم صلح تعاریف متعددی درج شده است. این تعاریف عمدتاً سلبی بوده و بر نفی جنگ استوارند. «صلح، حالت آرامش داخلی در یک کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر، فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید است» (آقابخشی، ۱۳۶۳، ص. ۱۹۲).

ت. امنیت: امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است که بر نبود تهدید برای منافع بازیگر دلالت دارد. بنابراین برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان به‌وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون

دغدغه وجود دارد. بدیهی است که عوامل بیرونی در به وجود آمدن این ادراک و احساس به طور مستقیم نقش دارند (قاسمی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴).
ث. هنجارها و قواعد بین‌المللی: هنجارها و قواعد بین‌المللی، مفاهیمی اجتماعی هستند که در تعامل بین بازیگران بین‌المللی به وجود می‌آیند و به صورت یک رفتار عرفی میان ملت‌ها محسوب می‌شوند و در صورت از دست رفتن زمینه‌های اجتماعی‌شان، به مرور از بین می‌روند. هنجارها این امکان را برای دولت‌ها فراهم می‌آورند که رفتارهای خود را توجیه کنند و ابزاری را برای جامعه بین‌المللی فراهم می‌آورند تا این جامعه بتواند ادعاهای دولت‌ها را ارزیابی کند (یزدان فام، ۱۳۸۷، صص. ۷۶۰-۷۵۹).

۳. مبانی نظری: واقع‌گرایی اسلامی

واقع‌گرایی سنت اصلی و قدیمی حاکم بر روابط بین‌الملل را شکل می‌دهد. در این پژوهش ضمن آشنایی با اصول واقع‌گرایی کلاسیک، به تبیین واقع‌گرایی اسلامی‌ای که مبنای تحلیل و رفتار آیت‌الله سیستانی بوده، اشاره می‌شود.

۳-۱. واقع‌گرایی کلاسیک

مهمترین اصول واقع‌گرایی که در رویکرد کلاسیک بر آن تأکید رفته، عبارتند از:
اصل (۱). وجود «واقعیت‌های سیاسی مستقل»

واقع‌گرایی از جمله مکاتبی است که بر پایه عقل‌گرایی و تعین واقعیت سیاسی بنا شده است. بدین معنی که از نظر آنها واقعیت سیاسی مستقل از ذهن انسان در عالم خارج وجود دارد و این «واقعیت» تابع قواعدی است که می‌توان با کمک عقل و علم تجربی به شناخت آنها نایل شد. توانایی عقل انسانی در شناخت واقعیت مستقل از ذهن، در مرکز نظریه شناختی واقع‌گرایی کلاسیک قرار دارد (سلیمی، ۱۳۹۱، ص. ۵۱).

اصل (۲). اصل «ستیز»

از نظر واقع‌گرایان اساساً روابط بین‌الملل دربرگیرنده «ستیز» میان قدرت‌های بزرگ برای سلطه و امنیت است. لذا این قدرت و تعارض‌ها ناشی از آن است که باعث و دلیل اصلی همه اتفاق‌ها و تصمیم‌ها، دولت‌ها می‌باشد (Dunoff, 2000, p. 67).

اصل (۳). نقد «التزام قانونی - اخلاقی»

واقع‌گرایی منکر این می‌شود که اصول اخلاقی جهانی تعمیم‌دانی به فعالیت‌های کشورها هستند و در نتیجه از اساس التزام به اخلاقیات را نقد می‌کنند. همچنین توافق‌های بین‌المللی معمولاً به دلیل طبیعت سودمندشان برای دوطرف تصویب می‌شوند. لذا وقتی فرمانبرداری از حقوق بین‌الملل تأثیری مستقیم بر قدرت نسبی کشورهای درگیر دارد، مسئله به جدالی بر سر قدرت تبدیل می‌شود. این طرز فکر ایشان، مبنایی تخریبی برای حقوق و اخلاق بین‌الملل به‌شمار می‌آید (Scott Henson, 2005, p. 27).

۲-۳. واقع‌گرایی اسلامی

مستند به دیدگاه اسلام و متفکران مسلمان، واقع‌گرایی اسلامی بر اصول زیر استوار است:

اصل (۱). محوریت نقش کارگزاران

مطابق این اصل، نقش کارگزاران در تکوین پدیده‌های سیاسی دارای اهمیت بوده و به میزان زیادی ماهیت و اهداف مترتب بر آنها را شکل می‌دهد. از این منظر نقش این کارگزاران در تحولات عراق باید مدنظر قرار گیرد: مرجعیت و حوزه علمیه، نخبگان، مردم و به‌طور شخص آیت‌الله سیستانی.

اصل (۲). «صلح» به‌مثابه منفعت مشترک و عمومی

واقع‌گرایی اسلامی اخلاق و معیارهای اخلاقی را مورد تأکید قرار می‌دهد. دعوت قرآن کریم به همزیستی مسالمت‌آمیز بر پایه مشترکات (آل عمران / آیه ۶۴) و ابتکارهای بین‌المللی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نشانه توجه اسلام به ایجاد روابط بین‌الملل و نقش حقوق بین‌الملل در تنظیم روابط بین‌المللی است (لوبون و زیدان، ۱۳۶۹). مواردی از این قبیل نشان می‌دهد که تأمین منافع در مناسبات بین‌المللی، از طریق پذیرش و تحکیم «اصالت صلح» میسر است. بر این اساس جنگ یک ضرورت و آخرین راه چاره است و چیزی نیست مگر دفاع مشروع. به همین خاطر است که بنیاد حفظ صلح بر اصول مهمی چون ظلم نکردن و مظلوم واقع نشدن قرار گرفته است؛ اصول مهمی که در گفتمان اسلامی بر آنها تأکید بسیار رفته و مقوم ایمان دانسته شده‌اند (سجادی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲).

اصل (۳). اهمیت پشتیبان حقوقی صلح و امنیت

گذشته از تأکیدی که بر اصل صلح از سوی این دسته از محققان شده، می‌توان به طیف متنوعی از اصول مندرج در ذیل عنوان حقوق بین‌الملل اسلامی اشاره داشت که تماماً مؤید صلح و صلح‌طلبی هستند. حقوق بین‌الملل اسلامی از این منظر بر اصولی مبتنی است که خاستگاه قرآنی دارند. نمونه این‌گونه اصول عبارتند از: برابری جوامع (نساء / آیه ۱ و حجرات / آیه ۱۳)، نفی سلطه و نفی سبیل (توبه / آیات ۹۱-۹۳؛ نساء / آیات ۳۴، ۹۰ و شوری / آیه ۴۱)؛ وفای به عهد، تفاهم، عدم مداخله قهرآمیز در سرنوشت دیگران (غاشیه / آیات ۲۱-۲۲)؛ ارتباط برادرانه در جامعه گسترده اسلامی (حجرات / آیه ۱۰)؛ مقابله با دشمنان (ممتحنه / آیه ۹ و بقره / آیه ۱۹۲)؛ روابط مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان صلح‌طلب (ممتحنه / آیه ۸)؛ اولویت روابط با مسلمانان (آل عمران / آیه ۲۸)؛ اعتبار اهل کتاب (حج / آیه ۲۲) و بالاخره سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را داریم که معرف کاربست همه این اصول در مواقع خاص است (شیرخانی، ۱۳۸۱).

اصل (۴). عقلانیت

از دیدگاه اسلام، سیاست معنای خاصی دارد که نمی‌توان آن را معادل سیاست قدرت هابز و یا سیاست آرمانی کانت دانست. سیاست در این مکتب اگرچه بر اصول ارزشی استوار است و در پی تحقق اهداف عالی‌ای است که سعادت فرد و جامعه را در دنیا و آخرت در پی دارد؛ اما در همین حال واقعگرا بوده و نسبت به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی کاملاً حساس و فعال است. عاملی که این امکان را به سیاست اسلامی می‌دهد که چنین فعال و به‌روز باشد، عقلانیت می‌باشد. به عبارت دیگر عقلانیت رکن مهمی از واقع‌گرایی اسلامی را شکل می‌دهد که به اعتدال و رفتار مناسب منتهی می‌شود (نک. علی‌اکبرزاده، ۱۳۹۸).

اصل (۵). رعایت شرایط و مقتضیات

از دیدگاه واقع‌گرایی اسلامی، شناخت، پایش و تحلیل شرایط زمانی و مکانی برای فهم چیرستی و مدیریت پدیده‌های سیاسی ضروری است. به عبارت دیگر این گروه از متفکران مسلمان، ضمن باور به وجود و حاکمیت اصول اولیه بر مناسبات سیاسی، اما

معتقدند که شیوه‌کاربست این اصول متناسب با شرایط مشخص می‌شود. بنابراین پرداختن به تحلیل شرایط محیطی برای تأسیس و تقویت صلح و امنیت ضروری است (سجادی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲).

اصل (۶). مشارکت اجتماعی

از دیدگاه واقع‌گرایی اسلامی، قدرت اجتماعی به‌عنوان منبعی مهم و تأثیرگذار در تأسیس و صیانت از امنیت و صلح به‌شمار می‌آید. به‌همین خاطر مشارکت مردم به عنوان یک اصل راهبردی مطرح بوده که بر اساس آن ضمن به رسمیت شناختن کرامت فرد بهترین مکانیزم دفاع از آن را خرد جمعی می‌داند که مانع از سیطره استبداد داخلی و خارجی شده و سیستم امنیت جمعی نشئت گرفته از مشارکت مردم خود عامل تثبیت آرامش و صلح پایدار محسوب می‌شود (نک. ایزدهی، ۱۳۹۷، صص. ۵۸-۵۰).

حال با عنایت به توضیحات بالا، می‌توان الگوی تحلیل پژوهش حاضر را به‌صورت زیر ترسیم نمود. مطابق این الگو تحلیل نقش آیت‌الله سیستانی در شش محور لازم است صورت گیرد:

نمودار شماره (۱): الگوی تحلیل تأمین صلح و امنیت مطابق رویکرد واقع‌گرایی اسلامی



(طراحی توسط نویسندگان)

۴. تحلیل جایگاه روحانیت و مراجع شیعه در تحولات جامعه عراق

کارگزاران اولین مؤلفه الگوی تحلیلی پیشنهادی برای بررسی تحولات عراق می‌باشد. اگرچه طیف متنوعی از کارگزاران را می‌توان سراغ گرفت، اما به دلیل موضوع مقاله حاضر در ادامه بر نقش آیت‌الله سیستانی و روحانیت عراق تأکید می‌شود.

۴-۱. شخصیت شناسی آیت‌الله سیستانی

آیت‌الله سیستانی متعلق به حوزه علمی «نجف» است. لذا شناخت اصول حاکم بر این مکتب، در تحلیل مؤلفه‌های شخصیتی ایشان تأثیر مستقیم دارد. مهمترین این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف. تعدد و تنوع بینشی و نگرشی: حوزه علمیه نجف در درجه اول یک نهاد علمی است و آنچه نهادهای علمی را با هم متفاوت می‌سازد هدف و رویکرد این نهادها در ساحت علم است. نظام آموزشی حوزه نجف اشرف نیز یک نهاد تولید علم با یک نظام تخصصی مبتنی بر تجارب چند صدساله تفقه و تدریس علمای کبار به همراه سنت‌های خاص خود است. با اینکه فقه و اصول، محوری‌ترین نقطه تمرکز مطالعات علمی حوزه نجف اشرف است اما در چند سده گذشته، مکاتب مختلفی در کنار هم و بدون تراحم رشد و نمو داشته‌اند و نمایندگانی شاخص به جهان تشیع معرفی کرده‌اند. قبول تنوع و هاضمه بزرگ در پذیرفتن این تنوع، از ویژگی‌های حوزه نجف است.^۳ همین ویژگی را می‌توان در الگوی رفتار سیاسی مراجع این حوزه مشاهده کرد. این تنوع در انتخاب سیاست مواجهه با بحران‌های سیاسی و اجتماعی خود به نوعی نشان‌دهنده ظرفیت بالایی است که فقه شیعه و نهاد مرجعیت از آن برخوردار بوده است.

ب. رویکرد تطبیقی و فراگیر: بر اساس تقسیم‌بندی اساتید نجف، آیت‌الله خوبی چنان‌که از درس‌های فقه و اصول ایشان روایت می‌شود، بیشتر امتداد مکتب محقق نایینی هستند؛ شهید صدر امتداد مکتب محقق عراقی و آیت‌الله سیدمحمد روحانی امتداد مکتب محقق اصفهانی (کمپانی) شناخته شده‌اند.^۴ در این میان آیت‌الله سیستانی در امتداد یک مکتب خاص قرار نگرفته و تلاش داشته که با نگاهی تطبیقی به مکاتب مشهد، قم و نجف مباحث خود را ارائه دهد.^۵

پ. اعتدال: وجود اعتدال در فتوا و تعادل در برخورد با دیگران از ویژگی‌های مکتب

نجف برشمرده شده است. بزرگان نجف، شیعه را مکتب اعتدال می‌دانند و باور دارند مبنا کتاب و سنت است و فقاہت حول این دو مبنا می‌چرخد و فقیه برای فتوای خود باید دلیل محکم در کتاب و سنت داشته باشد و شرایط صدور روایات را مدنظر قرار دهد. همین اعتدال سبب می‌شود تا ارتباط با سایر مذاهب، فقه مقارن و یا ضرورت گفت‌وگوی بین ادیان چندان نزد ایشان حساسیت‌برانگیز نباشد. همچنین در زندگینامه ایشان به تفصیل آمده که چگونه ایشان توانستند نظریه‌های علمای مختلف را به حوزه‌های دیگر منتقل کرده و به‌نوعی توسعه و تقویت این ارتباطات فکری و فقهی را دامن بزنند.^۶

ت. استواری: از حیث تاریخی زمان مرجعیت آیت‌الله سیستانی با دوره حاکمیت حزب بعث در عراق همراه بوده است. با عنایت به سیاست‌های خصمانه حزب بعث علیه احزاب و گروه‌های مذهبی و به‌ویژه سختگیری زیاد ایشان بر ضد شیعیان، شاهد تحمیل نوعی انزوا بر مرجعیت و یا تحدید فعالیت‌های ایشان به بخش‌هایی خاص از امور داخلی و حوزوی هستیم. به همین دلیل است که آیت‌الله سیستانی با عطف توجه به مصالح عالی‌ه اسلام و شرایط خاص مسلمانان در عراق، تقریباً بیست‌وشش سال سیاست انزوا را پیشه خود ساخته بودند. برخی از محققان این سیاست را دلیل اصلی برای صیانت حوزه‌های علمیه نجف از تعدی‌های استبداد، طی این دوره خطیر می‌دانند. با این توضیح تفاوت در عملکرد مراجع شیعه عراق در برابر استعمارگران را باید بر اساس عنصر زمان و مکان و توانایی فقه شیعه تحلیل نمود. صدام حسین همواره از قدرت شیعیان واهمه داشت و گاهی سیاست‌های سرکوب و بایکوت را علیه آنان اعمال می‌کرد. نقطه اوج سیاست‌های ضدشیعی صدام حسین، سرکوب «انتفاضه شعبانیه» عراق است (غزایاق زندی، ۱۳۸۹، ص. ۴۷).

۴-۲. روحانیت و مراجع شیعه

از دیدگاه آیت‌الله سیستانی روحانیت و مراجع شیعه نقش مؤثری در تحولات جامعه عراق داشته و همواره یک منبع تأثیرگذار بوده‌اند. برای مثال می‌توان به نقش مرجعیت شیعه در به صحنه‌آوردن مردم اشاره داشت که به تعبیر برخی از تحلیلگران، نشان می‌دهد مرجعیت معتبرترین و مهمترین منبع قدرت در عراق است.^۷ از جمله ملاحظات دیدگاه

آیت‌الله سیستانی آن است که ایشان «مرجعیت» را شرط زمامت حکومت اسلامی نمی‌داند و نقش آن را منحصر به «نظارت» و «هدایت‌گری» می‌داند. بر این اساس مرجعیت از دیدگاه ایشان به جز در موارد خاص و بحرانی وارد صحنه سیاست نمی‌شود.^۸

۵. تحلیل جایگاه و نظام منافع ملی عراق

سفیر سابق آمریکا در عراق در یادداشتی تأکید کرده که مشکلات عراق بدون نظرات مرجعیت شیعی عراق حل‌شدنی نیست.^۹ این تحلیل حکایت از نقش مؤثر آیت‌الله سیستانی در تعریف و تأمین منافع ملی این کشور دارد. ایشان در خصوص برخی از پرونده‌های مهم سیاست خارجی عراق، رهنمودهایی را بیان داشته که تحلیل آنها حکایت از توجه به اصل تأمین منافع ملی این کشور دارد. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

یک. ایشان به دولت عراق سفارش مکرر کرده‌اند که با محیط عربی کشور رابطه نزدیکی داشته باشد. رئیس‌جمهور وقت عراق؛ فؤاد معصوم پس از دیدار با آیت‌الله سیستانی و پیش از سفر به ریاض اعلام کرد که با مرجعیت بر سر گسترش روابط با کشورهای همسایه به توافق رسیده است.

دو. آیت‌الله سیستانی در مقام سفارش بر تقویت روابط عراق با عربستان سعودی، نکته‌ای را اظهار داشت که حکایت از اهمیت جایگاه منافع ملی نزد ایشان دارد. او اجرای این سیاست از آنجا که به تأمین منافع ملی عراق کمک می‌نماید، تأیید کرده است.^{۱۰}

سه. تذکرات خاص آیت‌الله سیستانی به اردوغان نیز مؤید همین معنا است. اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در دیداری که در سال ۲۰۱۱ با آیت‌الله سیستانی در نجف داشت با تذکرات ایشان در امور مختلف مواجه شد، از جمله اختلاف‌های آبی میان ترکیه و عراق. وی سعی کرد نگرانی‌های مرجعیت را در خصوص مسائل مختلف برطرف کند.

چهار. فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور عراق، پس از دیدار با آیت‌الله سیستانی، چنین بیان داشت: ایشان نگاه مثبتی به طرح سازمان ملل دارد و آن را موافق منافع عراق تشخیص داده و از انجام اصلاحات در یک بازه زمانی معقول حمایت می‌کند.^{۱۱}

پنج. آیت‌الله سیستانی بر ضرورت تقویت تعاملات جهانی عراق تأکید داشته و آن را به عنوان راهکاری جهت تأیید منافع ملی ضروری دانسته‌اند. ملاقات پاپ و آیت‌الله

سیستانی در تاریخ ۶ مارس ۲۰۲۱، نقطه شروعی برای تعامل و گفت‌وگو بود. این ملاقات یک جلوه از مبانی فقهی آیت‌الله سیستانی بود؛ بدان معنی که مبانی فقهی ایشان باعث شده که چنین ملاقات مهمی از سوی ایشان صورت بگیرد. ایشان همچنین در مباحث فقهی خود تصریح و تأکید دارند که ضرورت‌های ناظر بر وجود و صیانت از همزیستی مسالمت‌آمیز واضح است.^{۱۲}

شش. حفظ وحدت و انسجام عراق به عنوان منفعتی مهم از سوی آیت‌الله سیستانی معرفی شده و در مواضع مختلف بر آن تأکید رفته است. ایشان معتقدند که وحدت جامعه عراق در گرو زندگی مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام متقابل همه گروه‌های مذهبی و قومی است. این رویکرد در فقه سیاسی ایشان ریشه دارد و در تقویت وحدت ملی بسیار نقش داشته است. برای مثال اگرچه با سقوط صدام اقتدار گروه اقلیت اعراب سنی از بین رفت و زمینه اقدامات انتقام‌جویی و تلافی‌جویانه برای گروه‌های شیعی فراهم شد؛ اما آیت‌الله سیستانی در این زمان حکومت عراق را به حفظ امنیت تمامی مردم عراق صرف نظر از وابستگی‌های نژادی و مذهبی و فکری مکلف کرد و تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با اهل سنت و انجام گفتگو، و دیدارهای مستقیم و غیرمستقیم را تنها و بهترین راه‌حل برای مرتفع کردن هر نوع اختلاف احتمالی دانست. گروه‌های سکولار و ملی‌گرای عراقی به‌رغم تلقی منفی از رابطه دین و سیاست و جایگاه مقامات مذهبی در این حوزه، رابطه احترام‌آمیزی با آیت‌الله سیستانی دارند که حکایت از اثربخشی دیدگاه ایشان در جامعه عراق دارد (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۴). آیت‌الله سیستانی در واکنش به رفتار عده‌ای از افرادی که اقدام به تصرف مساجد اهل سنت نموده و ائمه جماعات آنان را اخراج کرده بودند؛ اظهار داشتند: «این عمل به شدت محکوم است و باید دست از این تجاوزات بردارند و امنیت امام جماعت این مساجد را تأمین کنند و آنان را با عزت و احترام به مساجدشان بازگردانند» (قاسمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷).

با تأمل در مواردی از این قبیل می‌توان اثربخشی بازگرایان خارجی در سیاست بین‌المللی عراق را از نظرات آیت‌الله سیستانی به وضوح مشاهده کرد و اینکه ایشان نیز در این خصوص توجه ویژه‌ای به منافع عراق داشته‌اند.

۶. پشتیبان حقوقی صلح و امنیت

با تأمل در دیدگاه‌های ارائه شده توسط آیت‌الله سیستانی می‌توان دو بُعد مهم حقوقی را در بحث امنیت و صلح شناسایی کرد:

۶-۱. تحدید حقوقی دولت

از آنجا که اهمیت امنیت برای تحقق آرامش و مصالح مادی و معنوی مردم است، معنای امنیت در نظر ایشان در گرو اقدامات عادلانه دولت قرار دارد و دولت مجاز نیست که به بهانه ایجاد امنیت، مانع از بهره‌مندی مردم از حقوق مختلف شود بلکه دولت موظف است در چهارچوب اختیارات مندرج در قانون اساسی، عمل کند (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۶).

۶-۲. امنیت عمومی و قانون‌گرایی

از دیدگاه آیت‌الله سیستانی نیل به امنیت که عامل برقراری روابط بین حکومت و مردم است، جنبه ابزاری داشته و با خواست مردم رابطه‌ای متقابل دارد و در خلأ مطرح نمی‌شود. از برآیند رابطه حکومت و مردم، حدود و ثغور امنیت معنا پیدا کرده و تمامی افراد جامعه شایسته بهره‌مندی از آن می‌شوند و هیچ فرد، گروه، قوم، طائفه و فرقه‌ای، اولویت بیشتری نسبت به دیگران پیدا نمی‌کند. چنین امنیتی زمانی حاصل می‌شود که همگان مطیع قانون واحدی باشند و خود را از قانون برتر ندانند و داور نهایی در تمامی امور قضائی و اجرایی را دولت بدانند. به همین دلیل افراد مختلفی که در مقاطع مختلف زمانی، به بهانه‌های متعددی خواستار نادیده گرفتن اقتدار و صلاحیت دولت و زیر سؤال بردن مشروعیت قانون بوده‌اند مورد نکوهش آیت‌الله سیستانی قرار می‌گیرند (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۶).

۷. الگوی تجزیه و تحلیل سیاسی و جایگاه «عقلانیت»

محوریت رویکرد آیت‌الله سیستانی در تحلیل و مدیریت مسائل کلان عراق، به میزان زیادی به الگوی تحلیل عقلانی ایشان برمی‌گردد. مبنای این موضوع را در بحث حجیت عقل می‌توان سراغ گرفت. حجیت عقل از نظر شیعه به این معنی است که اگر در موردی عقل یک حکم قطعی داشت، آن حکم به حکم اینکه قطعی و یقینی است،

حجت است. این منبع به‌ویژه درباره مسائل مستحدثه کاربرد بسیار دارد. حالا اگر فرض کنیم در مورد به خصوصی از طریق نقل هیچ‌گونه حکم شرعی به ما ابلاغ نشده، ولی عقل به‌طور یقین به حکمت خاصی در ردیف سایر حکمت‌ها پی برده؛ در این صورت دریافت عقل اعتبار یافته و از باب قاعده تلازم عقل و شرع، می‌توان به یافته عقلی استناد معتبر داشت (سلیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲). این نگرش به عقل در سیره آیت‌الله سیستانی مورد توجه بسیار بوده و گونه‌ای خاص از کاربست عقلانیت را توسط ایشان به نمایش گذارده است. این موضوع در دو سطح قابل بررسی است:

۱-۷. عقلانیت در حوزه سیاست داخلی

در عرصه سیاست داخلی به نظر آیت‌الله سیستانی، از آنجا که جامعه عراق جامعه‌ای مذهبی است و اکثر مردم عراق مسلمان هستند قوانین کشور نمی‌تواند بر خلاف عقاید اکثریت باشد (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۵۱). شناخت و پذیرش امکانات موجود و وضعیت واقعی کشور عراق خود برگرفته از قوه عقلانیت و واقعیت‌پذیری آیت‌الله سیستانی بود که باعث شد ایشان در باب ایجاد دولت مقتدر که خود عاملی برای امنیت و رفاه همگانی مردم عراق است تأکید مؤکد کنند (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، صص. ۵۶-۵۵). دولت مقتدر جامعه مهمترین نیاز هر جامعه‌ای در اداره امور کشور و حفظ جامعه از هرج‌ومرج و اقدامات خودسرانه است و تنها نهادی است که از حق انحصاری داشتن اسلحه اجرای احکام جزایی برخوردار است. فتوای آیت‌الله سیستانی نشان می‌دهد اقدامات خودسرانه گروه‌های شبه‌نظامی با هر انگیزه‌ای باشد نامشروع است.

۲-۷. عقلانیت در سیاست خارجی

مبنای از دیدگاه آیت‌الله سیستانی، شناخت، تحلیل و مدیریت کارآمد پدیده‌های جدید در روابط بین‌الملل تنها از طریق عقل و با کمک تجربه و تجزیه و تحلیل‌های عقلایی امکان‌پذیر است و حاکمیت نگرش دینی به‌معنای دور ریختن دستاوردهای علمی بشر و تلاش‌های علمی برای فهم عقلایی و واقع‌گرایانه پدیده‌های بین‌المللی نیست؛ بلکه بر عکس، مهمترین آموزه دینی استفاده از عقل و تجربه برای فهم پدیده‌های سیاسی و

بین‌المللی است. البته در عرصه قضاوت‌هایی که مبتنی بر ارزش‌هاست، تفاوت‌های جدی میان اندیشه واقع‌گرایی اسلامی با واقع‌گرایی کلاسیک بروز می‌کند. اما در فهم واقعیت، عقل مهمترین ابزار شناخت است که با کمک تجربه می‌تواند در این مسیر گام بردارد (سلیمی، ۱۳۹۱، ص. ۶۱).

۸. شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی

از جمله نکات مهم در سیره آیت‌الله سیستانی تلاش ایشان برای جمع بین دو اصل بوده، که تجلی آن را می‌توان در توجه ایشان به نقش شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی در مدیریت سیاسی تحولات عراق ملاحظه کرد:

اول. **مرجعیت مبانی و ارزش‌های دینی؛** در این خصوص ایشان تلاش دارد که به صورت عملی، آنچه امام علی (علیه‌السلام) در بر آن تأکید داشته‌اند را عملیاتی نمایند؛ «دین خدا به شخصیت و موقعیت افراد شناخته نمی‌شود بلکه باید به دنبال نشانی از حق بود تا بتوان درک درستی از دین داشت. حق را بشناس، اهلش را نیز خواهی شناخت، ای حارث حق بهترین گفتار است (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۵، صص. ۱۲۰).

دوم. **توجه به شرایط؛** به فعلیت رساندن اصول و ارزش‌های دینی در خلأ ممکن نبوده و این مهم نیازمند توجه به بافت موقعیتی عراق است. معنای این اصل آن است که تحقق اهداف ملی در چارچوب ارزش‌های دینی، نیازمند شناخت و تحلیل شرایط محیطی نیز است. برای مثال مشاهده می‌شود که از زمان سقوط رژیم صدام، ایشان پیوسته با تأکید بر ضرورت برگزاری انتخابات، آمریکا را تحت فشار قرار داده و با مدیریت مناسب شرایط محیطی اهداف ارزشی را تأیید و دنبال کرده‌اند (نک. غریباق زندی، ۱۳۸۹).

۹. تأمین صلح و امنیت بر اساس «مشارکت اجتماعی»

مردم و گروه‌های اجتماعی نقش مهمی در تقویت امنیت و صلح دارند که مطابق دیدگاه آیت‌الله سیستانی این نقش در قالب‌های زیر عملیاتی می‌شود:

۹-۱. خواست مردم و نوع حکومت

در اندیشه آیت‌الله سیستانی، نوع حکومت به خواست مردم بستگی دارد. مردم و اکثریت در نظر آیت‌الله سیستانی بسیار مورد توجه است و این اکثریت شامل تمامی اقوام و اتباع عراقی محسوب می‌شود و معیار میزان تعداد آرای رأی‌دهندگان است که چه نوع حکومتی را انتخاب می‌کنند.^{۱۳}

۹-۲. اختیارات سیاسی مردم و فعالیت‌های مدنی

جامعه مدنی مورد نظر آیت‌الله سیستانی، فراهم‌کننده مشارکت مؤثر و سازنده مردم در تحولات اجتماعی - سیاسی است. این جامعه نه تنها از اعمال نفوذ دولت و نهادهای دولتی آزاد است بلکه شخصیت‌های مذهبی نیز در آن خواهان دیکته کردن نظرات خود نیستند (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۶). نظام انتخاباتی مستند به دیدگاه آیت‌الله سیستانی، باید آنقدر قوی و استوار باشد تا بتواند نظرهای مردم را دریافت، تحلیل و زمینه حاکمیت آنها را فراهم سازد. حوزه صلاحیت چنین اراده‌ای، تعیین روند تمامی امور کشور از جمله تعیین شکل حکومت عراق و قوانین جاری کشور است (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۵۰). آیت‌الله سیستانی بر موضوع «قدرت و الگوی مدیریت آن» بسیار تأکید داشته و برای رأی و انتخاب مردم اعتبار قائل هستند.

۹-۳. حکمرانی مبتنی بر مشارکت

موضوع نوع حکمرانی مهمترین مسئله‌ای است که متعاقب تحولات داخلی عراق مطرح می‌شود. در این ارتباط با عنایت به شکست الگوهای بسته و استبدادی‌ای که جامعه عراق در دوران صدام حسین تجربه کرده بود؛ ایده «حکمرانی مبتنی بر مشارکت» طرح و مقبولیت می‌یابد. در این الگو خبری از سلسله مراتب آمریت عمودی نیست و به جای آن شاهد شکل‌گیری فرایندهای مشارکت‌جویانه در عرصه اجتماعی، تأکید بر اصل شفافیت و یا حاکمیت اصل پاسخگویی هستیم (Abdellatif, 2003A). برای مثال آیت‌الله سیستانی در زمانی که نیروهای اشغالگر و حامیان داخلی آنها در پی آن بودند تا به‌نوعی در برگزاری انتخابات سالم و شکل‌گیری دولتی مستقل و بومی ایجاد اخلاص نمایند؛ با تدبیر و درایت تمام امور را هدایت کردند و اهمیت انتخابات و رأی مردمی را برجسته ساختند.

به همین خاطر است که روزنامه آمریکایی واشینگتن پست، به صراحت اعتراف می‌نماید که: آیت‌الله سیستانی به‌عنوان قدرتمندترین شخصیت سیاسی در عراق مطرح می‌باشد. این در حالی است که شاهد وجود یک اکثریت جمعیتی شیعه در عراق هستیم؛ که تماماً از نقش مهم ایشان در تحولات سیاسی عراق حکایت دارد.^{۱۴} تحلیل تجربه‌های بعدی جامعه عراق حکایت از آن دارد که آیت‌الله سیستانی از این نفوذ و جایگاه‌شان در راستای تحقق حاکمیت مشارکتی بهره بردند و توانستند از این طریق نقشه‌های دشمنان را خنثی و زمینه استقرار نظم و امنیتی پایدار را در عراق فراهم سازند.

نتیجه‌گیری

پس از سقوط صدام، جامعه عراق دستخوش تحولات بسیاری شده است. در این میان نقش مرجعیت آیت‌الله سیستانی موضوعی غیرقابل انکار است. لذا این پژوهش بر نقش ایشان در تحولات داخلی و سیاست خارجی عراق پس از سال ۲۰۰۳ تمرکز دارد و با بهره‌مندی از مؤلفه‌های شش‌گانه واقع‌گرایی اسلامی؛ سعی در تحلیل نقش این مرجع عالیقدر داشته است. نگاه واقع‌بینانه آیت‌الله سیستانی به تحولات سیاسی و اجتماعی در عراق حاکی از تأثیر بالای شخصیت اخلاقی ایشان در بدنه جامعه و گروه‌های سیاسی دارد. شخصیتی که با تأکید بر اصولی چون عقلانیت، تأمین منافع کشور، نقش‌دهی به مردم و گروه‌های اجتماعی، تقویت بنیان‌ها و پشتیبان‌های حقوقی نظم و ثبات در جامعه، تعدیل رابطه مردم با دولت و توجه به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی؛ توانست سایر عوامل سیاسی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و در صیانت از وحدت و انسجام ملی و گذر عراق از دوران بحرانی بعد از سقوط صدام حسین، موفق ظاهر شود. با این توصیف ظرفیت‌های فقه سیاسی شیعه در شرایط نوین جامعه عراق به نمایش گذارده شده و از این طریق راه تعارض‌های داخلی و مداخله‌های خارجی، به نفع مردم عراق، سد می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. تقدیر و تشکر: این مقاله مستخرج از رساله دکتری روابط بین‌الملل با عنوان «نقش آیت‌الله سیستانی در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی عراق» است که در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران با راهنمایی آقای دکتر حمید احمدی به انجام رسیده است. بدین‌وسیله از همه اساتید راهنما و مشاور تقدیر می‌گردد.

2. Mansour

۳. نک. فاتح: www.khabaronline.ir/

4. <https://fa.shafaqna.com/news/62551>
5. <http://www.sistani.org/persian/data/>
6. <https://www.cgie.org.ir/fa/news/212212/>
7. <https://www.nytimes.com/2008/02/20/>
8. <https://www.sistani.org/arabic/statement/25924/>
9. <http://www.politico.com/magazine/story/2>
10. <https://www.asriran.com/fa/news/465954>
11. <http://www.atlanticcouncil.org/menasource/>
12. <http://www.sistani.org/persian/statement/26511>
13. <http://www.sistani.org/index.php?p=914883&id=707/>
14. www.washingtonpost.com/archive/2004/04/19/

کتابنامه

قرآن کریم.

- آقابخش، علی (۱۳۶۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر قندر.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۷). مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی.
- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵). اسلام و حقوق بین‌الملل. تهران: گنج دانش.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و عارف‌نژاد، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶(۴)، ۷۴-۴۱.
- الدیک، محمود ابراهیم (۱۳۹۸). معاهدات بین‌المللی در اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، (ابراهیم موسی‌زاده، مترجم). تهران: مجد.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۱). «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام»، نشریه علوم سیاسی، (۱۲)، ۱۸۳-۱۶۱.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۱). «رنالیسم اسلامی و درک روابط بین‌الملل مدرن»، دوفصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش سیاست‌نظری، (۱۲)، ۷۵-۳۹.

سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل اسلامی. تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

شمس‌الدینی، سعید؛ مرتضوی، خدایار و نوابخش، مهرداد (۱۴۰۰). «پیوند پلورالیسم و فدرالیسم با تأکید بر دموکراسی انجمنی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۷(۱)، ۱۶۲-۱۳۹. شیرخانی، علی (۱۳۸۱). «آینده باورها و اعتقادات دینی در پروسه جهانی شدن»، نگاه حوزه. ۷۸(۱)، ۴۱-۳۲.

علی‌اکبرزاده، حامد (۱۳۹۸). ساخت‌گشایی عقلانیت اسلامی. قم: کتاب طه. علوی، حسن و حسینی شیرازی، محمد (۱۳۸۴). شیعیان در حکومت عراق، (محمدنبی ابراهیمی، مترجم). تهران: سوره مهر.

غریاق زندی، داوود (۱۳۸۹). «فرایند ملت - دولت‌سازی، شکل‌گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده»، فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۳(۴۷)، ۳۵-۵.

فاتح، ابوالفضل (بی‌تا)، مکتب نجف، قسمت اول: <https://fa.shafaqna.com/news/62551/>

فاتح، ابوالفضل (بی‌تا)، مکتب نجف، قسمت سوم: <https://www.cgic.org.ir/fa/news/212212/>

فیروزآبادی، مهدی؛ جلالی، محمود و رئیس، لیلا (۱۳۹۴). «تأثیر تئوری‌های واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل بر توسعه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهشی حقوق عمومی. ۴۸(۱)، ۹۵-۶۹.

قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۸). «مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال؛ با تأکید بر اندیشه آیت‌الله سیستانی»، علوم سیاسی. ۴۵(۱)، ۱۴۲-۱۱۱.

قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶). «بررسی مفهوم امنیت در سیاست تازه بین‌الملل»، اطلاعات سیاسی اقتصادی. ۲۴۵ و ۲۴۶، ۳۹-۱۲.

لوبون، گوستاو؛ زیدان، جرجی (۱۳۶۹). اسلام و تاریخ تمدن عرب، (هادی خاتمی بروجردی، مترجم). تهران: صدر.

مجلسی، سیدمحمدباقر (بی‌تا)، بحارالانوار، بیروت: بی‌نا.

نادری، مهدی (۱۳۹۶). «مدل نظری اخلاق جنگ» در تفکر شیعی با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله سیستانی، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۳(۲)، ۳۴-۵.

نوری، محمداسماعیل (۱۳۷۹). آشنایی با ابواب فقه. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

مطهرنیا (۱۳۹۵): <https://fa.shafaqna.com/news/178660/>

یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷). «قواعد و هنجارهای بین‌المللی: پیدایش و تأثیرگذاری». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۱(۴۲)، ۷۷۸-۷۵۷.

- Abdellatif, A. M. (2003). *Good Governance and Its Relationship to Democracy and Economic Development*. Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity. Seoul.
- Dunoff, Jeffrey (2000), "International Legal Scholarship at the Millennium", *I Chicago Journal of International Law*. (85).
- Mansour, Renad (2017). Iraq after the fall of ISIS: The struggle for the state, Middle East and North Africa Programm, July.
- Scott Henson, Raymond (2005). Law and order in the international community: the impact of international law on interstate relations, MSc Thesis, Vanderbilt University, New York.
- <https://www.sistani.org/arabic/in-news/24988>
- <http://www.asriran.com/fa/news/465954>
- <https://www.nytimes.com/2008/02/20/opinion/20gerecht.html>
- <http://www.fa.shafaqna.com>
- <https://doi.org/10.1080/13530194.2018.1429988/> The 'formal/ Marja: Shi'i clerical authority and the state in post-2003 Iraq/Harith Hasan Al-Qarawee/2018
- <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1046/j.1365-3180.2003.00332.x>
- <https://fa.shafaqna.com/news/230816/>
- [https://www.foreignaffairs.com/privacy-policy/Saving Iraq/What Ayatollah Sistani Can do/ Ranj Alaaldin/2016](https://www.foreignaffairs.com/privacy-policy/Saving-Iraq/What-Ayatollah-Sistani-Can-do/Ranj-Alaaldin/2016)
- <https://www.sistani.org/persian/archive/>
- <http://www.sistani.org/persian/data/3/>
- [http://www.politico.com/magazine/story/2/Zalmai Khalilzad/02,2016](http://www.politico.com/magazine/story/2/Zalmai-Khalilzad/02,2016)
- <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/sistanis-roadmap-to-the-renewal-of-political-legitimacy-in-iraq/>
- <http://www.sistani.org/persian/statement/26511>
- <http://www.washingtonpost.com/archive/opinions/2004/04/19/understanding-sistani-rol/36661a27-d329bc>



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی